



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف

Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Religious Affairs and

presidency Social Since

ریاست مجمع علمی

آمریت افتاء



بمقام محترم ریاست مجمع علمی!

السلام علیکم ورحمت الله

متن استفتاء ضیاء الله فرزند محمدنبی

از اندرآب بغلان

محترما! ایجانب که شهرتم در فوق ذکر گردیده است بنده وکیل وارثین محمدنبی ولدنظر علی میباشم در سال (1394) در ولایت بغلان یک وکالت خط که تمام اسم های پسران و دختران محمدنبی در آن ذکر گردیده بود برادرم وحیدالله در سال (1382) در حادثه ترافیکی در کابل نزد پدرم وفات نمود که از آن چهار فرزند باقی مانده است که سن شان از 18 الی 25 است پدرم در سال 1393 نسبت مرضی که عاید حالش گردیده بود وفات نمود که یک قطعه زمینی را که در ولایت بغلان ولسوالی اندرآب است برای شان داده بود اما حال خانم برادرم این را قبول ندارد از نگاه شریعت اسلام حق آن چیست؟ برایم واضح سازید.

حکم مقام ریاست: ملاحظه شد! آمریت افتاء! در رابطه به موضوع فوق در پرتو شریعت ابراز نظر نمائید.

حامداً ومصلياً

الجواب باسم ملهم الصواب

مستفتی محترم! برادر شما وحیدالله که در حادثه ترافیکی در حیات پدرتان محمدنبی وفات نموده است اولادها و خانم وی که اکنون موجود اند در ترکیه محمد نبی متوفی مستحق شمرده نمی شوند زیرا پسران و دختران دیگر محمد نبی متوفی که در حین وفات وی موجود بودند نسبت به نوادهای محمد نبی از لحاظ قرابت بوی نزدیک تراند و در باب عصابات قاعده این است که الاقرب فالاقرب یرجحون بقرب الدرجة (السراجی ص 14) ترجمه: مستحق اول کسی است که به میت از حیث قرابت نزدیک باشد چون پسر و دختر میت نسبت به نوادها نزدیک تر اند بناءً مستحق درجه اول شناخته شده اند.

بنابراین چون از محمد نبی متوفی پسران و دختران زنده و موجود اند نواده های وی که فرزندان وحیدالله اند از میراث محروم اند.

ولی در قسمت زمینی که پدر تان در ولسوالی اندر آب برای شان در زندگی خود هبه و بخشش نموده است آن هبه کاملاً درست و به جا بوده چون شخص هبه کننده محمد نبی وفات نموده است که با وفات وی هبه مؤکد نیز گردیده است بناءً هیچ کس حق مطالبه استرداد مال موهوب له را ندارد زیرا فقهاء کرام یکی از شرائط عدم صحت رجوع در هبه موت یکی از متعاقدين را میدانند چنانچه درین در کتاب مشهور فقه احناف چنین آمده است { اوبموت احد المتعاقدين } هدایه جلد سوم صفحه 287) ترجمه: یعنی یکی از شرائط عدم صحت رجوع در هبه مرگ یکی از متعاقدين است .

مستفتی عزیز! بنا بر صراحت عبارات فقهی ذکر شده بطور فشرده باید گفت: آنچه پدر شما برای نواده های خود در حیات اش بخشش نموده است آن ملکیت آنها میباشد و در آن کسی حق دعوای را ندارد ولی در ما بقیه متروکه پدری شما آنها در موجودیت کاکا ها عمه های خود حین وفات پدر کلان شان سهم وراثت ندارند مگر اینکه شما به یتیمان برادر خود ترحم نموده تبرعاً برای آنها چیزی بدهید.

ومن الله توفیق

کتابه: الحاج مولوی صالح محمد "صالحی"